

# بازرگانان هندی و سقوط صفویه

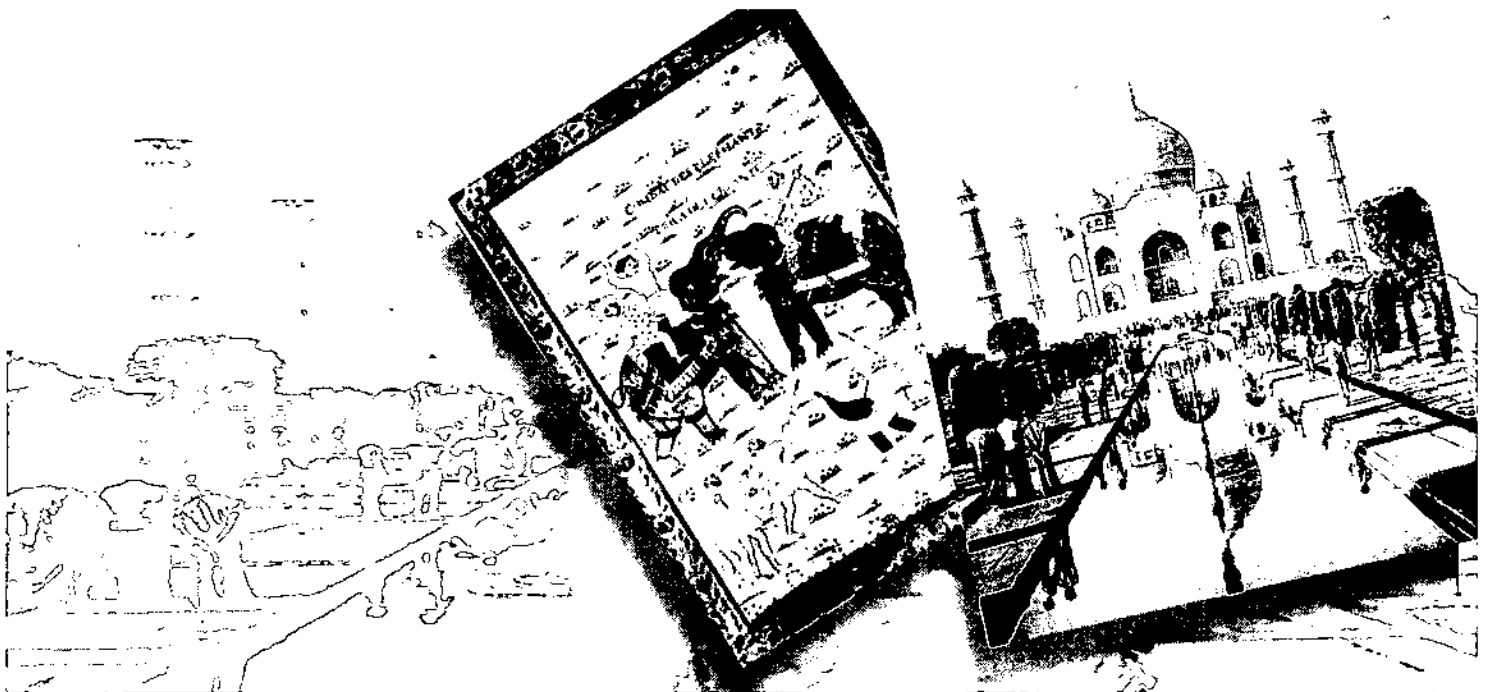
■ نوشته: جوان کول  
■ بازرگان هندی و تجارت اوراسیا،  
۱۶۰۰-۱۷۵۰ م / ۱۰۰۸-۱۱۶۳ هـ  
■ استفن فردریک دیل،  
■ کمبریج: انتشارات دانشگاه کمبریج،  
۱۶۲، ۴ ص.

گرفت. گروه بازرگانان هندی مولتان شبکه‌ای از بازرگانی زمینی تشکیل دادند که بخارا، هرات و اصفهان را در بر می‌گرفت. خوانندگان این نشریه «Iranian Studies» به ویژه به آن بخش کار دیل علاقه دارند که درباره ایران است که جایگاه بزرگترین و ثروتمندترین جامعه بازرگانان هندی در شمال شبه قاره بود. هر کس تاریخ صفویان را بخواند می‌داند که حدود ۱۰ تا ۲۰ هزار بازرگان هندی [باتیان] در اصفهان بودند که همیشه حلقه مقفوده‌ای در چارچوبه تاریخ نگارانه از دوره گردان آسیایی به نظر می‌رسید (اینکه چگونه هندوان توانستند تجارتی بسیار بیشتر از زادگاه خود داشته باشند؟). یکی از ارزش‌های کتاب دیل آن است که تفسیری قانع کننده از حضور این گروه بازرگانان قدرتمند و ثروتمند دور از وطن می‌دهد. او به این گروه‌ها به عنوان گروه‌های اقتصادی خانوادگی می‌نگرد که همه (با هدف انحرافی به دست آوردن آگاهی از بازارهای محلی و وضعیت آنها) جذب بازرگانی و بانکداری می‌شدند و اغلب از امتیازات قابل توجهی نسبت به بازرگانان و فروشندگان محلی برخوردار بودند. آنان عامل گسترش اقتصاد

جلد و توسط آنتونووا K.A. Antonova، گلدبرگ N.M. Goldberg و لاورنتس T.D. Lavrentsov منتشر شده است. توانایی دیل به استفاده از منابع روسی حتی بهتر از فارسی، وقایع نامه‌ها، و آگاهی او از هند و همسایگان شمالی آن، اطلاعات فراوانی در کتاب او گردآورده است؛ آن چنان که، پایان نامه وان لور J.C. Van Leur با عنوان «دوره گردان» (درباره ماهیت بازرگانی آسیایی پیش از قرون جدید) را به مبارزه می‌طلبد. دیل به هندوان ختری Khattri، مرواری Marwari، جین Jain و دیگر جوامع بازرگان هندی با نظر «پراکندگی تجاری» ارائه شده توسط فیلیپ کورتی Philip Curtin می‌نگرد. او نقش اقتصادی مهمی را برای بازرگانان داخل امپراتوری مغول (هند) در نظر می‌گیرد که در آن صرافان هندو همچون تودار مل Todar Mal خزانه دار دولتی می‌شود و بیشتر اشراف مسلمان حسابدار هندو داشته و این متخصصان مالی، بیشتر اقتصاد آنان را در دست داشتند. او نشان می‌دهد که چگونه شهر مولتان در دره سند، به صورت باراندازی برای بازرگانی بین دریای عمان و لاهور از سوی، و بین هند و نقاط شمالی از سوی دیگر مورد استفاده قرار

*Indian Merchants and The Eurasian Trade, 1600 - 1750, Stephen Fredric Dale, Cambridge Studies In Islamic Civilization, Cambridge Cambridge University Press, 1994, 162 pp.*

استفن دیل تاریخ‌نگار آسیای جنوبی در دانشگاه ایالتی اوهایو است که موفق به گردآوری دورساله در این کتاب کم حجم شده است. نخستین رساله، مقاله‌ای تحلیلی، درباره دست‌های بازرگانان هندی در امپراتوری‌های مغول (هند) و در خانات آسیای میانه است. این رساله بر وقایع نامه‌ها، سفرنامه‌ها و منابع دست دوم تکیه داشته و شامل بحث تاریخی گسترده‌ای درباره «اقتصاد جهانی هندی» (به تعبیر برودل Braudel) است که در آغاز قرون جدید وجود داشته و بسیار مهم‌تر از آن بود که تاریخ‌نگاران گمراه شده توسط شرکت‌های بازرگانی اروپایی درک کرده بودند. رساله دوم مجموعه‌ای از فعالیت‌های بازرگانی هندیان به ویژه در آستاراخان و روسیه است که بیشتر بر منابع روسی، و به ویژه مجموعه‌ای از اسناد آرشیوی روسی مرتبط با بازرگانان هندی در آستاراخان است که در سال‌های ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۵ م / ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۴ ش در دو



جهانی هندی بودند و به نظر دلیل، میزان و ارزش کالاهای تبادل شده به دست آنان، توسط بیشتر تاریخ‌نگاران اروپایی دست کم گرفته شده است. او اشاره دارد (ص ۴۳) که باقیمانده سکه‌های مغولی (هند)، این گونه نشان می‌دهند که حدود ۴۰ درصد سکه‌های نقره هندی، از سال ۱۵۸۶ - ۱۷۰۳ م / ۹۹۴-۱۱۱۵ ه در شهرهای شمالی نزدیک ایران و آسیای میانه ضرب شده‌اند که نشان از فراوانی بازرگانی خارجی هند با این همسایگان شمالی بود (پیش از آنکه سورات مرکز تجارت عمده هند با امپراتوری‌های بازرگانی اروپایی شود). با توجه به اینکه عمده بازرگانی خود ایران نیز از سورات انجام می‌شد، خاورمیانه نیز شریک بازرگانی مهمی برای هند این زمان بود.

آنگونه که حبیب عرفان استدلال کرده است پارچه‌های هندی به علت مزد کم کارگران شبه قاره پرجمعیت، همیشه بر بافته‌های خاورمیانه برتری داشت. پارچه، در کنال نیل، پنبه، ادویه و (پیش از پایان سده ۱۶م) برده، مهمترین صادرات هند به شمال بود.

به نظر دلیل، بارانداز هندیان در دهانه رود ولگا در بالای دریای خزر، نشانه گسترش فعالیت هندیان از طریق ایران بود و بیشتر کارمندان، کالا و سرمایه از جوامع مولدانی اصفهان و جاهای دیگر به روسیه می‌آمدند تا مستقیماً از هندوستان. او فعالیت بازرگانان هندی در آستاراخان را که پیش از یکی شدن با تسارهای روسیه دارای خان نشینی ترک - مسلمان بودند مرتبط با تاریخ سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روسیه می‌داند. استنادات دلیل، نشان از برتری اقتصادی و سازمانی هندوان بر روسها در اوایل قرون جدید دارد. او یافته است که بازرگانان هندی در آستاراخان از قدیم در آنجا جمعیتی داشتند؛ به هندوئیسم اعتقاد داشتند؛ با بعضی زنان مسلمان ترک ازدواج کرده بودند؛ و اینکه تدریجاً تجارت خود را از ایران و کمتر از هند آغاز کرده

بودند. اسناد روسی می‌گویند که آنان تعدادی شرکت داشتند (گرچه در واقع گروه‌های بازرگانی خانوادگی به نظر می‌رسند) و جایی در قوانین روسی نداشتند. بازرگانان هندی درآمدهای به مراتب فزون‌تر از رقبای روسی خود در کناره ولگا داشتند و بعضی آنقدر در آمد داشتند که از آن فقط می‌توان با عنوان ثروت یاد آورده یاد کرد. بعضی سالی ۱۰۰۰ روبل درآمد داشتند در حالی که بازرگانان روسی به طور متوسط نمی‌توانستند بیشتر از ۳۰ روبل داشته باشند. یافته‌های او درباره شریکان، کارگزاران، درآمدهای مهم، آگاهی گسترده آنان از وضعیت بازار در منطقه اوراسیا، و جوامع بزرگ بازرگانان مقیم آستاراخان، بخارا، اصفهان و جاهای دیگر، دلیل را به این نتیجه گیری نهایی رهنمون می‌سازد که «نمونه دوره‌گردی برای درک مدیریت اقتصادی در این پراکندگی، چندان مناسب نیست».

دلیل با انتخاب چارچوب کلی نگرانه تاریخی، آنچه را که به سادگی می‌توانست یک تک نگاری کوچک و ویژه ختری‌ها و مرواری‌ها در آستاراخان باشد، به نمونه‌ای بزرگ و مدعی در تاریخ‌نگاری بدل کرده است. تنها چیزی که او مستند خود را آشکار نکرده، اشاره به نظریه «شرکت بزرگ» درباره سقوط امپراتوری مغول هند است که توسط کارن لئونارد Karen Leonard ارائه شده و توسط ریچاردز J.F. Richards رد شده است. او همچنین درباره تأثیر بالقوه اخراج بازرگانان هندی از اصفهان در سال‌های دهه ۱۶۹۰ م / ۱۱۰۰ ه توسط مجلسی نوم و شاه سلطان حسین، توانایی دولت صفوی در تثبیت ارزش پول، و به ناچار سقوط پول که یاریگر افغانان در سقوط دولت صفوی به سال ۱۷۲۲ م / ۱۱۳۵ ه بود اشاره نمی‌کند. یقیناً اینها تعدادی از پرسش‌هایی بودند که پژوهش دلیل برمی‌انگیزد. همچنین او از دولت‌های اوراسیایی به عنوان چارچوبی برای فهم اقتصاد جهانی هندیان استفاده می‌کند بدون آنکه

تمایلی به بحث درباره روابط اقتصادی خود آن دولت‌ها نشان دهد. پی کندی Paul Kennedy در اثر خود پیشنهاد می‌کند که در آغاز قرون جدید، توانایی دولت به وام گرفتن، عامل مهمی در حفظ احترام همسایگان بود. شاید دلیل، هر تاریخ‌نگاری را در این مورد به دقت وادارد و امیدوارم چنین باشد. ارزشمندترین بخش کار او، ارائه تفسیری روشن از سقوط صفویه است برخلاف نظریات غیرسودمندی چون نظریه «فساد داخلی»، و نیز تز بی‌اعتبار حامدالنگار که «صفویه و دولت‌های دیگر فاقد مشروعیت در تفکر شیعی بودند».

این کتاب امروز و برای همیشه کتابی عالی است. دلیل به توانایی مؤثر و سازمان یافته وزیر دارایی اکبر مغول، تجارت اسب در کابل، صرافی پول در اصفهان، و سرانجام تأثیر ایوان مخوف و بطر کیر بر تجارت هند اشاره دارد که بدون گسیختگی به هم ارتباط می‌یابند و توازن زیبایی بین انگاره بزرگ او و اسناد آرشیوی روسی برقرار می‌دارد. در چنین زمینه‌ای از روابط متقابل در منطقه اوراسیا که بر همان ابعاد بنیان نهاده شده، شاید این کار غیرمنتظره نباشد. و دیگر اینکه او بر تاریخ اقتصادی منطقه متمرکز شده در حالی که این امر توسط تاریخ‌نگاران پیشین به سادگی نادیده گرفته شده است. با فروپاشی اتحاد شوروی و بازگشت مجدد اوراسیا به تاریخ خود، کتاب دلیل به تز مؤثر استعمارزدایی از تاریخ پایان می‌دهد. همان‌گونه که خود او بارها بیان می‌دارد، این کتاب تهاجمی گسترده به «شرق شناسی علوم اجتماعی Social Science Orientalism»، به دلیل دوری آن از نظر بستگی‌ها و سبک از پست مدرنیسم است.

پانوست:

این نوشته برگردانی است از نقد و بررسی جوان کول Juan R.L. Cole بر کتاب استفن فردریک دلیل که در مجله IRANIAN STUDIES سال ۲۹ (۱۹۹۶) ش ۱-۲، صص ۱۸۴-۱۸۶ به چاپ رسیده است.

